



چه خبر از سیما؟

❏ «از سر نوشت»

۱۵ بهمن کلید می خورد



تصویربرداری سریال ۵۰ قسمتی «از سر نوشت» با داستانی امیدبخش در مورد زندگی، با مشخص شدن تعدادی از بازیگران از ۱۵ بهمن (فردا) در تهران شروع می شود. به گزارش سیما فیلم؛ علی اکبر تحویلیان تهیه‌کننده این سریال در ارتباط با این مجموعه تلویزیونی ۵۰ قسمتی که به سفارش گروه فیلم و سریال شبکه دو سیما تهیه می‌شود، گفت: از يك ماه گذشته پیش تولید این مجموعه تلویزیونی را شروع کردیم و تصویربرداری کار از ۱۵ بهمن در تهران شروع می‌شود.

وی ادامه داد: این سریال ۵۰ قسمتی در دو فصل تهیه می‌شود که کارگردانی فصل نخست آن را محمدرضا خردمندان و فصل دوم را علیرضا بذرافشان به‌عهده‌دارند.

تحویلیان تصویربرداری بیشتر مکان‌های فیلمبرداری این مجموعه تلویزیونی را در تهران عنوان کرد و افزود: تاکنون حضور بازیگرانی چون: امین تارخ، مجید واشقانی، کامران تفتی، لیلا بلوکات، مریم کاظمی، مانده پهماسبی و علیرضا آرا قطعی شده است.

سریال از «سر نوشت» به سرپرستی محمد محمود سلطانی و توسط جمعی از نویسندگان نظیر روح... صدیقی، سارا خسروآبادی و مسعود کریمی نوشته شده و داستان آن در ارتباط با سرنوشت دو کودک از سن کم تا جوانی است که زندگی آنان را در پرورشگاه نشان می‌دهد.
محموریت این سریال امیدبخشی و تلاش برای رسیدن به آمل و آرزوهاست.

سریال ۵۰ قسمتی از سرنوشت به کارگردانی محمدرضا خردمندان و علیرضا بذرافشان در دو فصل برای پخش از شبکه دوی سیما تهیه می‌شود.

❏ «مادر» آماده پخش است



تله‌فیلم «مادر» به کارگردانی اصغر نعیمی و تهیه‌کنندگی سلمی بابایی با پشت سر گذاشتن مراحل فنی آماده پخش است. به گزارش سیما فیلم، سلمی بابایی (دختر شهید عباس بابایی) تهیه‌کننده این تله‌فیلم گفت: مادر، به سفارش سیما فیلم سال گذشته در تهران ساخته شد و تا پایان سال ۹۶ مراحل فنی کار نیز به اتمام رسید و اکنون تحویل سازمان صدا و سیما جهت پخش قرار گرفته است.

وی ادامه داد: زمان و شبکه پخش‌کننده این تله‌فیلم هنوز مشخص نشده و ممکن است برای مناسبتی خاص پخش شود.

تله‌فیلم ۹۰ دقیقه‌ای «مادر» به نویسندگی مرجان اشرفی‌زاده داستان زندگی پسری در جنوب شهر تهران است که فوتبالیستی معروف می‌شود و مادرش را رها می‌کند، اما با مصدومیتی که برایش اتفاق می‌افتد دچار اعتیاد می‌شود، ولی مادر با توجه به دلخوری‌هایی که از پسرش دارد به کمک او می‌رود.

در مادر بازیگرانی چون شیرین بینا، نفیسه روشن، مهدی زمین‌پرداز، مجید مشیری، سینا رازانی، نسیم ادبی، ابوالفضل همراه و محمد الهی بازی دارند.

سایر عوامل این کار نیز عبارتند از: اصغر نعیمی کارگردان، سلمی بابایی تهیه‌کننده، مرجان اشرفی‌زاده نویسنده، مجری طرح: ونداد روشن، طراح گریم سیدجلال موسوی، طراح صحنه و لباس مرجان صفابخش، مدیر تولید محمد شریفی، تدوین احسان لهراسبی، مدیر تدارکات مهدی جلالی، صدابردار علیرضا نوین‌نژاد، صداگذاری احسان افشاریان، مدیر تصویربرداری احسان رفیعی جم و عکاس محسن بیده.

سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر همراه با رادیو تهران

گفت‌وگوهای اختصاصی فیلمسازان، بازیگران و منتقدان را هر روز به صورت زنده از رادیو تهران محل برگزاری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر بشنوید.
امیرحسین ثقفی، تهیه‌کننده برنامه با اعلام این خبر گفت: تیم هنری «تهران من» از ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه در پردیس سینمایی ملت، محل برگزاری سی و



عکس:

جام جم



سید اقبال واحدی از خاطرات روزهای انقلاب می‌گوید

جوانان امروز، انقلابی‌ترند

ادامه از صفحه ۵

❏ **وقتی به ایام دهه فجر می‌رسیم و حرف از اتفاقات و مناسبات آن دوران به میان می‌آید،**

اصلی‌ترین خاطره‌ای که در ذهنتان زنده می‌شود کدام خاطره است؟

اصلی‌ترین خاطره‌ام نشاطی است که به وقوع پیوستن انقلاب برایمان ایجاد کرد. ما خانواده‌ای بودیم که از قبل از انقلاب مبارزه می‌کردیم و درگیر مسائلش بودیم؛ به راهپیمایی‌های خیابانی می‌رفتیم، دو نفر از عموهایم از جمله یاران نواب صفوی بودند که همراه با او شهید شدند و در واقع کاملاً درگیر حوادث انقلاب بودیم. لذا وقتی این اتفاق [انقلاب] رخ داد، مثل بقیه مردم بسیار خوشحال شدیم.

❏ **در آن روزهای پابانی منتهی به**

انقلاب و بعد از آن، حس و حال

مردم و خیابان‌ها به چه صورت بود؟

من معتقدم که انقلاب اسلامی از زمان بعثت پیامبر(ص) آغاز شد.



هفتمین جشنواره فیلم فجر مستقر هستند و آخرین رویدادها درخصوص جشنواره را به اطلاع شنوندگان می‌رسانند. گفت‌وگو با فیلمسازان، منتقدان و بازیگران به صورت زنده از کاخ جشنواره تا ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه پخش می‌شود. اسماعیل باستانی، تهیه‌کننده و وحید رونقی گوینده به همراه غزل نهانی، مهدی



سید اقبال واحدی از خاطرات روزهای انقلاب می‌گوید

انقلاب اسلامی ایران هم تازه از ۲۲ بهمن سال ۵۷ شروع شد و هنوز به پایان نرسیده است؛ بلکه منتظریم صاحب اصلی‌اش [امام زمان (عج)] بیاید و پرچم را به دست ایشان بدهیم. در کل آن دوران (وقوع انقلاب اسلامی) با تحولات عجیبی همراه بود و بسیاری از مردم وقوع آن را باور نمی‌کردند. حتی تا دهم بهمن که دو روز قبل از رسیدن امام(ره) به تهران بود، قضیه برای خیلی‌ها فقط در حد راهپیمایی‌های ماهانه و... اکبر گفتن‌های شبانه روی پشت بام‌ها بود. هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد که بشود [شاپور] بختیار را بعد از شاه از کشور بیرون کرد و انقلاب را به نتیجه رساند. در واقع در آن دوران همه در نوعی حالت خوف و رجا به سر می‌بردیم و معلوم نبود چه اتفاقی می‌افتد. وقتی امام(ره) به تهران رسیدند، قوت قلب همه کمیته‌های مساجد را تشکیل دادند و همه کار یکدیگر را راه می‌انداختند. برای مثال اعلام می‌کردند وسایل پزشکی کم داریم، عده‌ای وسایل پزشکی می‌دادند. حتی اعلام می‌کردند برویم گندم‌های مردم را درو کنیم، باز عده‌ای می‌رفتند و جهاد سازندگی هم در ادامه‌اش ایجاد شد و البته پس از آن به دوران جنگ رسیدیم.

❏ **اشاره کردید که عموهایتان از جمله فداییان اسلام بودند و به شهادت رسیدند.**

خاطره‌ای هم از این دو شهید دارید؟

دو عمویم سیدعبدالحسین واحدی و سیدمحمد واحدی بودند که یکی‌شان هنگام شهادت ۲۴ ساله بود و دیگری ۳۰ سال داشت. عبدالحسین ۸ آذر ۳۴ شهید شد و محمد هم ۲۷ دی همراه با نواب و یارانش اعدام شد. البته شهادتشان مصادف با به دنیا آمدن من بود و از این رو خودم خاطره‌ای از این دو نفر ندارم. وقتی من به دنیا آمدم، پدر و برادر هم اعدامی بودند، اما از زندان آزاد شدند و به همین خاطر اسم من که در اصل سیدمحمدعلی بود را اقبال گذاشتند و معتقد بودند برایشان خوش قدم بودم.



شهید سیدمحمد واحدی قبل از اعدام



شهید سید عبدالحسین واحدی هنگام دستگیری



سید اقبال در زندگی میزبانان

مجنونی و میثم عبدی از پردیس ملت شنوندگان را همراهی می‌کنند. تهران من ویژه دهه فجر چهل سالگی انقلاب تدارک دیده شده است که مینا نیکانیک سردبیر، فاطمه نیرومند گوینده به همراه دیگر عوامل تهران من تا ۲۲ بهمن در خدمت شنوندگان خواهند بود.

با جنگ‌های داخلی هم مواجه بود و گروه فالانژها فعالیت می‌کردند. در همان فضا ما با همراهی بچه‌های سپاه به لبنان سفر کردیم و من در شهر روی دیوارها نقاشی می‌کشیدم و زیرش می‌نوشتم «حزب...!». کاری که در تهران هم سال‌های قبل از انقلاب انجام می‌دادم و امضای پای شعارهایم حزب... بود.

❏ **و این اتفاقات قبل از تشکیل گروه حزب... بود؟**

بله. پایگاهمان بعلیک بود و اتفاقاً اولین راهپیمایی روز قدس را هم در ماه رمضان در همان جا برگزار کردیم و خودمان پوسترش را طراحی و چاپ کردیم. داستان‌های زیادی دیدیم. همراهی بچه‌های لبنان با سپاه ایران لذت‌بخش بود و یادم هست که بچه‌های امل در ابتدا شکل و شمایل دیگری داشتند؛ مثلاً کلاه شاپو به سر گذاشته و هفت‌تیر به کمر می‌بستند، اما وقتی خضوع و افتادگی سربازان ایرانی را دیدند، مسائل مذهبی برایشان مهم‌تر شد و ظاهری متفاوت پیدا کردند.

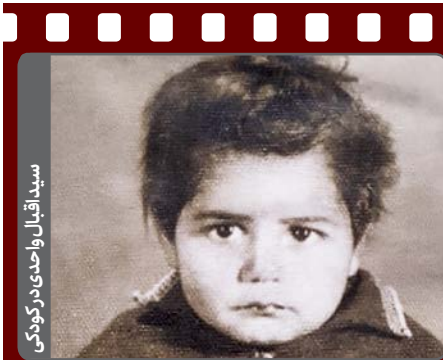
❏ **گویا ربوده شدن حاج احمد متوسلیان هم در همان دوره حضور شما در لبنان اتفاق افتاد.**

ما جزو همان گروه خبرنگارانی بودیم که قرار بود بعد از گروه حاج‌احمد اعزام شویم، اما دستگیری آنها توسط فالانژها رخ داد. دو ساعت قبل از آن اتفاق، همه با هم خداحافظی کردیم و واقعاً کسی فکر نمی‌کرد چنین اتفاقی بیفتد. در آن زمان هیچ‌کس درجه نداشت، همه مثل هم بودند و فرقی میان فرمانده و افراد دیگر نبود؛ فقط همه می‌دانستند که دستورها را حاج احمد می‌دهد. البته من چنین اتفاقاتی را لطاف خفیه می‌دانم؛ معتقدم که جمهوری اسلامی باید برای استقلالش هزینه‌کند و چه هزینه‌ای بهتر از افرادی که نامشان تا ابد جاوید می‌ماند؟ برای مثال افرادی چون شهید بهشتی و شهید رجایی بودن‌شان يك تاثیر داشت و نبودن‌شان تاثیر هزار برابر پیدا کرد. به همین دلیل است که شهادت افراد را هم تبریک می‌گوییم، با این وجود در آن دوران قدرتی در وجودمان بود که باعث می‌شد از هیچ اتفاقی دلسرد نشویم و حتی وقتی مادری يك فرزندش شهید می‌شد، می‌گفت که حاضر است فرزند دیگرش را هم به جبهه بفرستد. این روحیه، اتفاق کوچکی نبود.

❏ **و حالا در ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی هم**

هنوز این روحیه را در وجود مردم می‌بینید؟

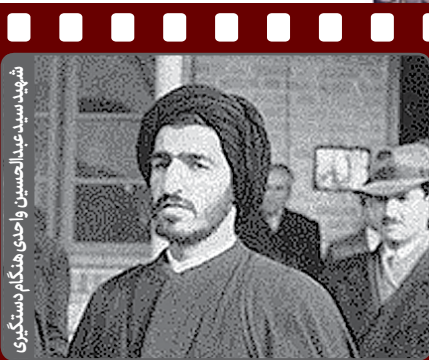
بله، چند وقت پیش همسر یکی از شهیدان مدافع حرم را دیدم دختر جوانی بود که يك بچه یکی دو ساله داشت. از او پرسیدم از شهید شدن همسرت ناراحت نیستی؟ گفت نه، وظیفه‌اش بود و باید می‌رفت و من هم خوشحالم که در این کار خبر شریکم. به نظر آن روحیه انقلابی نه تنها تضعیف نشده، که قوی‌تر هم شده است؛ چون دشمنان بیشتر شده‌اند. اگر در آن دوران فقط با شاه و حکومت پهلوی مواجه بودیم، الان دشمنان بیشتر و در سطحی جهانی شده‌اند و اگر دشمن قوی است، بدانید که دلپیش به‌خاطر قوی بودن ماست. يك کشتی‌گیر صد کیلویی با هم‌وزن خودش کشتی می‌گیرد و ۵۰ کیلویی هم با هم‌وزن خودش، پس مطمئن باشید که قدرت ما بالاست! ❏



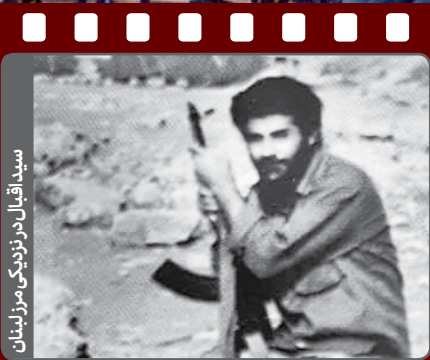
سید اقبال واحدی در کودکی



شهید سیدمحمد واحدی قبل از اعدام



شهید سید عبدالحسین واحدی هنگام دستگیری



سید اقبال در زندگی میزبانان

جشنواره جام جم می‌تواند الگوساز باشد

به گزارش جام‌جم: محمد کارت برگزیده بهترین کارگردانی برای «آوانتاژ» در چهارمین دوره جشنواره تلویزیونی جام‌جم در خصوص لزوم وجود جشنواره‌ای مثل جام‌جم برای فضای تلویزیون ما گفت: به نظر جشنواره جام‌جم می‌تواند با سنجش و ارزیابی آثار مختلفی که در تلویزیون تولید شده و معرفی آنها در پیشرفت و روند فیلمسازی در تلویزیون چه مستند، چه

کارگردان «بختک» با ارائه پیشنهادی برای بهتر شدن جشنواره جام‌جم بیان کرد: به طور کلی وقتی جشنواره در هر بخش جوابی‌ری را اعطا می‌کند، می‌تواند به وسیله آن الگوسازی را برای کسانی که می‌خواهند با تلویزیون کار کنند ایجاد نماید؛ اتفاقی که در ابعاد مختلف تولیدات تلویزیون - از فیلم و سریال گرفته تا مستند و مسابقه - قابل انجام است. این اتفاق در صورتی ممکن است که جشنواره اعتبار و تأثیرگذاری لازم برای چنین جریانی را به‌واسطه نگاهی که در آن لحاظ می‌شود داشته باشد.

کارگردان «بختک» با ارائه پیشنهادی برای بهتر شدن جشنواره جام‌جم بیان کرد: به طور کلی وقتی جشنواره در هر بخش جوابی‌ری را اعطا می‌کند، می‌تواند به وسیله آن الگوسازی را برای کسانی که می‌خواهند با تلویزیون کار کنند ایجاد نماید؛ اتفاقی که در ابعاد مختلف تولیدات تلویزیون - از فیلم و سریال گرفته تا مستند و مسابقه - قابل انجام است. این اتفاق در صورتی ممکن است که جشنواره اعتبار و تأثیرگذاری لازم برای چنین جریانی را به‌واسطه نگاهی که در آن لحاظ می‌شود داشته باشد.